

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

صفحات: ۱۰۹-۱۲۷

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی

تورج قدیمی

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

منیره کاظمی راشد*

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

معصومه قره‌داغی

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

منیژه صدری

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی است. از این منظر، پس از بسط فضای مفهومی موضوع، به بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی تشیع و نقش آنها در تحولات تا دوران صفوی خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، تاریخی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که: اولاً، تشیع و گرایش به آن در تاریخ ایران یک پدیده‌ی تدریجی و در بستر تاریخی بود؛ اگرچه رسمیت آن در دوره‌ی صفویه به صورت دفعی رخ داد، اما نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی آهسته و آرام از همان قرن اول هجری بوده است. ثانیاً، شرایط مذهبی عصر حاکمیت مغولها بر ایران که تعصب خاص مذهبی نداشتند، موجب پیوند جریان تصوف و تشیع شده و صفویان و مریدان این خاندان این پیوند را پذیرفته، به شیعیانی متعصب تبدیل و به مذهب شیعه توسط شاه اسماعیل در ایران رسمیت بخشیدند. ثالثاً، نقش تشیع در دوره صفوی هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی، از جایگاه مهم و تثبیت شده و موثری برخوردار شده است که این موضوع سبب شده تا تشیع از یک مجموعه آموزه‌های عبادی و فقهی و البته، در انزوا، خارج و به عنوان ایدئولوژی حاکم بر جامعه، پذیرفته شود.

واژگان کلیدی: تشیع، صفویه، تحولات سیاسی و اجتماعی، طریقت، شیخ‌صفی‌الدین، تاریخ ایران.

* نویسنده مسئول مکاتبات: kazemirashed@yahoo.com

مقدمه

مؤلفه‌های گوناگونی در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی هر ملت یا پیروان هر مذهبی مؤثر است. بررسی همه‌جانبه تاریخ اجتماعی هر ملتی، نیازمند توجه به تمامی علل و عواملی است که در فرآیند شکل‌گیری تاریخ اجتماعی آنها دخالت دارد. از جمله این علل و عوامل، توجه به کارکردهای سیاسی و اجتماعی هر جنبش، مذهب یا اندیشه است که از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار در تاریخ اجتماعی و هویت جمعی ملت‌ها به شمار می‌رود. نوشتار حاضر از روش تاریخ‌نگاری و با نگاه و گرایش به تاریخ، برای بررسی تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی استفاده خواهد کرد. لذا، هدف این مقاله، بررسی کارکردهای سیاسی و اجتماعی شیعه و تاثیر آنها بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی است. از این رو، آنچه ضرورت این مقاله را نشان می‌دهد، این است که عمده پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه به بُعد دینی و مذهبی تشیع پرداخته و کمتر حوزه کارکردی سیاسی اجتماعی آنها را بررسی می‌کند؛ یعنی موضوع چگونگی فعالیت سیاسی و اجتماعی شیعیان در طول تاریخ تا به قدرت رسیدن صفویان عمدتاً مغفول واقع شده است، موضوعی که این مقاله تلاش دارد بدان بپردازد.

پیشینه تحقیق

احمدرضا خضری (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «تشیع در تاریخ»، که در سه بخش و ضمایم به شرح زیر نگاشته شده است: بخش اول: مبانی اعتقادی و اندیشه شیعه (کلیات، پیدایش تشیع و تشیع در دوره خلفای سه‌گانه)؛ بخش دوم: تشیع در دوره حضور امامان معصوم(ع)؛ بخش سوم: دولت‌ها و خاندان‌های شیعی (دولت ادریسیان، دولت علویان طبرستان، دولت‌های قرمطی و اسماعیلی، زیدیان یمن، دولت حمدانی، دولت آل‌بویه، حکومت بنی‌مزید، خلافت بنی‌حمود در اندلس، حکومت سربداران خراسان، حکومت مرعشیان مازندران، حکومت آل‌کیا در گیلان، دولت صفوی، حکومت عادل شاهیان، حکومت قطب شاهیان، حکومت نظام شاهیان. کتاب‌نامه و ضمایم نقشه هم‌پایان بخش این کتاب هستند.

حسن انصاری‌قمی (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان «تشیع امامی در بستر تحول؛ تاریخ مکتب‌ها و باورها در ایران و اسلام»، ابتدا به تاریخ مکتب‌ها و باورهای مذهبی و سیاسی در ایران و اسلام می‌پردازد: در بخش اول این کتاب به تحولات کلامی و فقهی امامیه به‌ویژه در زمینه منابع اعتقادی و فقهی و همچنین، تحولات اندیشه‌های عقلی در تشیع امامی می‌پردازد. در این چارچوب، به گرایش‌ها و نزاع‌های درونی این مکتب توجه شده است. در بخش دوم نیز مناسبات تشیع و در بخش آخر، جزئیات فکری و ادبی در تشیع امامی بررسی شده‌اند.

اصغر منتظرالقائم و زینلی، بهمن (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «نقش امام علی بن محمد(ع)

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی

در مهندسی فرهنگی امت اسلامی»، به روش توصیفی تحلیلی به بررسی مهندسی فرهنگی امت اسلامی توسط امام هادی(ع) خواهد پرداخت و این فرضیه را به آزمون خواهد گذاشت که: «امام هادی(ع) به عنوان یک رهبر الهی، با شناخت جریان‌های فکری و فرهنگی زمانه خود با محوریت هدایت جامعه، مسیر مدیریت فرهنگی را با بهره‌گیری از راهبردهای متنوع در بستر فرهنگی هموار نمود و موفق به ایجاد تغییرات هوشمندانه و هدایت جامعه گردید.»

پروین اصغری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عملکرد متکلمان شیعه امامی در مواجهه با چالش‌های تقریب مذاهب در عصر سلجوقی»، درصدد است با روش توصیفی تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، راهکارهای متکلمان شیعه امامی را در جهت تقریب، از طریق طرح مشترکات دینی، فقه مقارن، برگزاری کرسی درس مشترک، مناظره، پاسخگویی به شبهات و اتهامات علیه شیعه و آشکارساختن تفاوت شیعه امامی با سایر انشعابات تشیع و... بررسی و تحلیل نماید.

بارانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل موثر در ارتقاء جایگاه سیاسی اجتماعی شیعیان امامی در ایران دوره سلجوقی»، با روش توصیفی تحلیلی، جایگاه سیاسی اجتماعی شیعیان امامی را در عهد فرمانروایی سلجوقیان واکاوی و عوامل موثر در این مهم را به عنوان دوره‌ای تاثیرگذار در سیر تحول جایگاه امامیه در تاریخ ایران بررسی می‌کند.

علی‌اکبر نیکزاد و حسین حمزه (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تشیع و تاریخ اجتماعی ایرانیان در عصر صفوی»، مهم‌ترین دستاورد و یافته این نوشته، شناسایی و تحلیل برخی از باورها، آیین‌ها، نهادها، و نمادهای شیعی است که در فرآیند شکل‌گیری هویت جمعی ایرانیان این دوره، نقش و کارکرد مثبتی داشته است. از این‌رو، این نوشتار عوامل و موضوعاتی را بررسی می‌کند که در عملکرد و رفتار اجتماعی ایرانیان عصر صفوی، تأثیرگذار بود و با تقویت هویت شیعی در جامعه ایرانی، از سوی زمینه‌جدایی آنان از جوامع غیرشیعی، و از دیگر سو، مقدمات شکل‌گیری ملت و کشور شیعی مستقلی را فراهم کرد.

تحلیل پیشینه‌ها و نوآوری مقاله

بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که عمدتاً نقش دینی و مذهبی یا چگونگی شکل‌گیری تشیع را مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر به واکاوی نقش تشیع در روند تحولات سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند. لذا، بررسی این مقاله می‌تواند دارای نوآوری باشد. از سوی دیگر، درک واضح و روشن از اهمیت سیاسی و اجتماعی تشیع در روند تحولات تاریخی می‌تواند در برطرف نمودن این شبهه که تشیع عمدتاً توسط صفویه و با هدف سیاسی شکل گرفته است، کمک کند. لذا، این موضوع نیز دارای نوآوری خواهد بود.

سیر تحولات تاریخی تشیع

اگرچه دولت صفویه به عنوان عامل اصلی رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع در ایران شناخته می‌شود، اما موضوع گرایش مذهبی یک جامعه نیز به مانند دیگر پدیده‌های تاریخی، یک موضوع شبکه‌محور است. عوامل متعددی در یک دوره‌ی زمانی نهصد ساله دست به دست هم داد و شرایطی را فراهم نمود که تشکیل دولت صفویه و اعلام رسمی مذهب تشیع، نتیجه و ثمره‌ی آن بود. تکیه‌گاه اصلی این شرایط، نفوذ تدریجی اما آهسته و آرام تشیع در ایران از همان قرن اول هجری بوده است. اندکی پیش از سقوط عباسیان، تشیع پیشرفت خود را در عراق، شام و ایران آغاز کرده بود؛ با سقوط دولت عباسیان، حرکت شیعی در عراق و ایران سرعت بیشتری به خود گرفت. افزون بر این، ظهور تشیع در جهان اسلام، به شکل‌های مختلفی خود را نشان داد.

یکی از صورت‌های ظهور فکر شیعی، درآمیختن آن با تصوف بود. این آمیختگی شاید یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اوج‌گیری تشیع در تمامی بلاد اسلامی به شمار می‌رود. بسیاری از عقاید شیعه به نحلّه‌های تصوف مسلمان راه یافت و از آنجا که صوفی‌گری در میان سنیان، نفوذ چشمگیری داشت، بطور طبیعی زمینه بسط تشیع فراهم می‌شد. (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۷) پذیرش تشیع و گرایش به آن در تاریخ ایران یک پدیده‌ی تدریجی و در بستر زمانی نه قرن بود، اگرچه رسمیت آن در دوره‌ی صفویه به صورت دفعی رخ داد. صرف‌نظر از آگاهی ایرانیان از موقعیت و جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) در قرآن و نظر رسول خدا (صل الله علیه و آله) و گرایش قلبی به اهل بیت (علیهم‌السلام)، برخی از نواحی ایران از همان قرن اول هجری به عنوان پایگاه شیعیان شناخته شده است. قیام مختار و همراهی ایرانیان با وی، کشتار وحشیانه‌ی ایرانیان به وسیله مصعب‌بن‌زبیر، جنایات و مظالم آل‌امیه و حجاج‌بن‌یوسف، موجب همراهی ایرانیان با اهل‌بیت (ع) و مهاجرت عده‌ای از شیعیان کوفه به ایران شد تا بتوانند بدون دغدغه‌ی خیال و به آسودگی در این سرزمین زندگی کنند. (منتظرالقائم، ۱۳۸۴: ۱۵۷)

از جمله فرزندان سائب‌بن‌مالک اشعری بودند که از کوفه به ایران مهاجرت کردند و در قم ساکن شدند. اشعریان مهاجر به قم، دوست‌دار اهل بیت (ع) بوده و اظهار تشیع می‌نمودند. لذا، اهل قم به زودی به تشیع گرویدند و قم به اولین پایگاه تشیع در ایران تبدیل شد، به ویژه از آن رو که مسکن دیگر قبایل شیعی نیز شد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۶۰-۲۶۳-۲۷۸-۲۹۰). این موضوع و رجوع به منابع و مدارک گوناگونی حکایت از آن دارد که تشیع، سال‌ها پیش از تشکیل حکومت صفویه، در پهنه سرزمین ایران گسترش یافته بود. با شروع قرن دوم هجری، تشیع از مرزهای جزیره العرب و عراق بیرون رفت و به تمام قلمرو اسلامی کشیده شد. با توجه به پراکندگی شیعیان و علویان در سرزمین‌های اسلامی، این مسئله به خوبی قابل فهم است. از زمان

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی

حجاج بن یوسف ثقفی، مهاجرت شیعیان و علویان از کوفه به دیگر مناطق پرننگ‌تر و شدیدتر شد. این مهاجرت‌ها در قرن دوم هجری و با شروع تبلیغات شیعی و نهضت‌های علویان شتاب بیشتری به خود گرفت. (محرّمی، ۱۳۸۶: ۱۸۴)

نهضت‌های علویان در دوران عباسیان هم پیوسته رخ می‌داد. یکی از نتایج قطعی این نهضت‌ها، پراکندگی علویان در مناطق گوناگون بود؛ چنانکه بعد از قیام محمد نفس‌زکیه در زمان حکومت منصور و شکست او، نوادگان امام حسن (علیه السلام) در مناطق گوناگون پراکنده شدند. مسعودی، مورخ شهیر، در این باره می‌نویسد: «برادران محمد بن عبدالله (نفس‌زکیه)، در بلاد گوناگون پراکنده شدند...؛ برادرش، یحیی، به ری و از آنجا به طبرستان رفت؛ برادر دیگرش، ابراهیم، به بصره رفت و در آنجا لشکری از مردم اهواز، فارس و سایر شهرها گرد آورد. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۹۶)

همچنین در قرن دوم هجری، حرکت مبلغان بنی‌هاشم (بنی‌عباس) به خراسان آغاز شد و مردم زیادی در آنجا به تشیع گرویدند. یعقوبی، مورخ مشهور، می‌نویسد: «وقتی زید بن علی بن الحسین به شهادت رسید، شیعیان در خراسان به جنب‌وجوش آمدند و تشیع خود را آشکار کردند. خطیبان، آشکارا ظلم و ستم بنی‌امیه بر خاندان پیامبر را بازمی‌گفتند». (یعقوبی، ۳۲۶) پاره‌ای از مورخان نوشته‌اند: «در سالی که یحیی (فرزند زید) کشته شد، هر طفلی که در خراسان به دنیا آمد، نامش را یحیی نهادند». (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۱۳)

ترکان سلجوقی از مدافعان سرسخت مذهب تسنن بودند، بنابراین، پس از تحکیم قدرت خویش، هم خلافت عباسی را که به دلیل ضعف درونی در حال فروپاشی بود و هم مذهب تسنن که به جهت تسلط حکومت شیعه مذهب آل‌بویه ضعیف شده بود، جان دوباره بخشیدند. این ائتلاف سیاسی-مذهبی با جهت‌گیری ضد شیعی شکل گرفت، زیرا سلاجقه در جهت کسب مشروعیت نیازمند جلب نظر و رضایت خلافت و اکثریت جامعه یعنی اهل سنت بودند. همچنین، سلاجقه بر جای آل‌بویه تکیه زده بودند و اسماعیلیان خطر بزرگی برای آنها بودند. لذا، از شیعیان به عنوان مدعی قدرت بیمناک بودند. بر این اساس، سیاست نخستین سلاطین سلجوقی یعنی طغرل، الب ارسلان و ملک‌شاه، بر پشتیبانی از اهل سنت و سخت‌گیری بر تشیع مبتنی بود. (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۷ و ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۳۰۳-۶/۹)

به هر حال، بررسی موارد فوق نشان می‌دهد که موضوع تشیع از حیث تاریخ، بعد از رحلت پیامبر (ص) شروع می‌شود و در دوره‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی جریان پیدا می‌کند و در تحولات مختلف نقش اساسی ایفاء می‌کند. بررسی این موضوع نشان می‌دهد که برخلاف نظر برخی از مورخان که آغاز تشیع را از دوره صفوفیه می‌دانند، خط بطلان کشیده و نشان می‌دهد که تشیع تاریخی به عمر اسلام دارد.

گفتمان‌های واگرا و وحدت‌گرای شیعی قبل از صفوفیه

فضای گفتمان گوناگونی ایران پیشاصفوی مملو از رقابت بین گفتمانهای واگرا و وحدت‌گرا بود. مذهب تشیع بر تأسیس نظم دینی خاص خود تأکید داشت و مذهب تسنن به دنبال همراهی با دستگاه خلافت عثمانی بود. صوفیان در خانقاه‌ها در پی شکستن ارزشهای مذهبی اهل تسنن و تشیع بودند. عرفا از بی‌نیازی به حکومت می‌گفتند. در این مقطع تاریخی که دولتهای محلی ایلخانی در ضعف و افول بودند، دو طایفه قراقویونلوها و آق‌قویونلوها در شمال غربی ایران ادعای حاکمیت بر سراسر ایران داشتند. این فضا به گونه‌ای بود که هیچ گفتمانی نمی‌توانست اجماع لازم برای وحدت بین‌گفتمانی را فراهم سازد. نتیجه این فقدان هویت ملی و گفتمان سیاسی وحدت‌بخش، هرج‌ومرج سیاسی اجتماعی بود که آماده دگردیسی برای تأسیس حکومتی جدید در قالب گفتمان نوینی بود. (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۵) این مفهوم مشترک که تصوف را با اندیشه سیاسی شیعه پیوند می‌داد، همان هویت ملی بود که زمینه اجتماعی را در کنار رقابای خارجی برای گذار از تصوف به تشیع آماده کرد و بدین رو، صوفیان تشیع خود را به عنوان معنای سیاسی-اجتماعی پذیرفتند. گرایش این دو نیرو به یکدیگر، قدرت منسجمی را ایجاد کرد که جامعه به سمت آن متمایل شد. در این مقطع، قدرت مشروعیت‌بخشی تشیع به همراه قدرت مدیریت تصوف بر این مهم تأکید نهاد که می‌تواند جامعه‌ای نو بسازد. «این دولت بر اساس نظریه سیاسی ویژه‌ای که در دایره تصوف بین مرشد کل و مریدان به وجود آمد و نظامی که باید از آن با عنوان خلیفه‌گری یاد کرد، به قدرت رسید. مبنای اطاعت قزلباش از شاه اسماعیل، اعتقاد آنان به اسماعیل به عنوان رئیس خانقاه اردبیل بود و هیچ‌گونه توجیه طایفه‌ای و فقهی به معنای مرسوم آن وجود نداشت» (Stanley, ۲۰۰۶: ۱۱). با بررسی سیر تاریخی تشیع و گفتمانهای وحدت‌گرا و واگرا در ایران اکنون می‌توان به نقش شیعه در تحولات سیاسی و اجتماعی پرداخت.

نقش شیعه در تحولات سیاسی-اجتماعی تا قبل از صفوفیه

هرچند اندیشه سیاسی شیعه (انحصار مشروعیت سیاسی به حاکمیتی که مأذون از سوی خداوند باشد) از همان ابتدا در دوران ائمه اطهار علیهم‌السلام شکل گرفت، اما کیفیت اجرای آن، در طول زمان‌های گوناگون سیری تکاملی داشته است. به عبارت دیگر، اصل مأذون بودن علما و فقها در زمان غیبت، به شیوه‌های گوناگون ثابت شده بود؛ اما روش اعمال قدرت آنها در طول زمان‌های متفاوت، فرق داشت. به عبارت دیگر، هرچه زمان به جلو می‌رفت، استعدادهای فقهت شیعی فعلیت بیشتری می‌یافت، تا به انقلاب مشروطه انجامید. ابتدایی‌ترین همکاری فقها با حکام با این عنوان توجیه می‌شد. به عبارت دیگر، فقهای شیعه

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی

پس از غیبت امام زمان (عج) در حقانیت خود شک نداشتند؛ اما چون در اقلیت به سر می‌بردند، تصدّی حاکمیت برای آنها ممکن نبود. تنها اگر فرصتی فراهم می‌شد که بتوانند با استفاده از قدرت سیاسی برای پیشبرد مقاصد خود گامی بردارند، بر خود واجب می‌دانستند که از این فرصت استفاده کنند. مسئله مهمی که در اینجا خود را نشان می‌داد، چگونگی همکاری با حکام غاصب بود و اینکه آیا اساساً همکاری با آنها مشروعیت دارد یا نه. در این خصوص، پس از دوره ائمه اطهار علیهم‌السلام، افرادی همچون ابوالصلاح حلبی (۳۷۴-۴۴۷) به تبع برخی از فقیهان، راه جدیدی برای همکاری با سلاطین ارائه دادند. (نگرسی، ۱۳۸۷)

آنها با طرح این نکته که تنها حکم ائمه اطهار علیهم‌السلام و منصوبان آنها نافذ است، چنین استدلال کردند که اگر فقهای جامع‌الشرایط حتی از سوی حاکم ظالم متعلّبی هم به کار گرفته شود، مجاز است و بر او لازم است از پذیرفتن کاری که بر او عرضه شده، سر باز نزند و چون این ولایت، امر به معروف و نهی از منکر است که از سوی حکومت بر او عرضه شده، پذیرش آن برایش واجب عینی می‌گردد و اگرچه ظاهراً از سوی حاکمی غاصب و ظالم حکومت می‌کند، اما در واقع، او جانشین امام زمان (عج) و مأذون از سوی آن بزرگوار است؛ زیرا اذن از سوی ایشان و پدران بزرگوارشان علیهم‌السلام برای کسانی ثابت شده است که ویژگی‌های لازم را داشته باشند. بدین‌روی، او حق ندارد از قبول آن منصب سرباز زند. (جعفریان، ۱۳۷۰: ۲۷) بنابراین، آنها این‌گونه فرصت‌ها را غنیمت می‌شمردند و در سایه استفاده از قدرت حکام-هرچند ظالم- برای بسط فرهنگ شیعی یا حفظ منافع شیعیان تلاش می‌کردند. تلاش خواجه نصیرالدین طوسی برای نفوذ در دستگاه هولاکوخان و علامه حلی از این جمله است.

قرن چهارم و پنجم هجری از نظر شرایط سیاسی از بهترین دوران‌های شیعه به شمار می‌رود، زیرا خاندان بویه (۳۲۰-۴۷۷) که مذهب شیعه داشتند، در دستگاه حکومت عباسی از نفوذ و اقتدار زایدالوصفی برخوردار بودند. فرزندان بویه به نامهای علی، حسن و احمد که قبلاً در فارس حکومت می‌کردند، در زمان «المستکفی» به سال ۳۳۳ وارد بغداد شده، به مقر حکومت راه یافته و مورد تکریم خلیفه قرار گرفتند. احمد، «معز الدوله»، حسن، «رکن الدوله»، و علی، «عماد الدوله» لقب یافتند. معز الدوله که منصب امیر الامرائی را داشت، چنان اقتداری به دست آورد که حتی برای مستکفی حقوق و مقرری تعیین کرد. به دستور وی در روز عاشورا بازارها تعطیل و برای امام حسین علیه السلام مراسم سوگواری بر پا گردید، و مراسم عید غدیر با شکوه بسیار انجام شد. کوتاه سخن آنکه آل بویه در ترویج مذهب امامیه اثنا عشری اهتمام بسیار ورزیدند.

در بغداد، مرکز حکومت اسلامی، که قبل از آل بویه، مردم پیرو مذهب اهل سنت بودند، با به قدرت رسیدن آنان، مذهب شیعه نشو و نما کرد و آیین‌های مخصوص شیعیان با شکوه

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
فراوان انجام می‌شد. شیخ مفید، متکلم نامدار امامیه که در این زمان می‌زیست، مورد تجلیل و تکریم بسیار بود. مسجد «برائا» در منطقه کرخ بغداد به وی اختصاص داشت، و شیخ مفید در آن علاوه بر اقامه نماز و موعظه، به تعلیم و تدریس می‌پرداخت. وی در پرتو موقعیت ویژه‌ای که از جنبه‌های علمی و اجتماعی داشت، توانست فرق مختلف شیعه را انسجام بخشیده، آرا و عقاید شیعه را تحکیم و ترویج نماید.

خدمات آل بویه به مذهب تشیع اختصاص نداشت، بلکه آنان به ادب و فرهنگ و تمدن اسلامی خدمات شایان نمودند. غناوی در کتاب «الادب فی ظل بنی بویه» می‌نویسد: یکی از امتیازات دوره آل بویه، بالا رفتن سطح دانش و فرهنگ بود که خود و وزرای ایشان تاثیر بسزایی در این زمینه داشتند، زیرا وزرا همیشه از طبقات نویسندگان و دانشمندان مبرز برگزیده می‌شدند... آوازه‌شان در فضا طنین انداز شد، تا آنجا که دانشمندان و اهل ادب از هر سو به جانب ایشان روی آورده و از توجهشان برخوردار شدند. در میدان ادب و فلسفه و دانش، و در سازندگی و بکار انداختن اندیشه‌ها گوی سبقت را از سروران خود (خلفای عباسی) ربوده بودند» (السبحانی، ۱۳۸۷: ۲۱۳-۲۰۶، حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۵۹، طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۵۱۹).

در قرن چهارم، فاطمین نیز در مصر به قدرت رسیدند و حکومت آنان تا اواخر قرن ششم هجری (۵۶۷) ادامه یافت. حکومت فاطمیان بر مبنای دعوت به تشیع پایه‌گذاری شد و اگرچه آنان دوازده امامی نبوده، پیرو مذهب اسماعیلیه بودند، و میان این دو مذهب اختلافاتی وجود دارد، ولی در حفظ شعائر مذهب تشیع، و نیز فراگرفتن تعالیم اسلامی از طریق خاندان وحی، و تشویق مردم به این روش، هر دو مذهب هماهنگ‌اند. سیوطی می‌نویسد: «در سال ۳۵۷ هجری، قرامطه بر دمشق استیلا یافته و بر آن شدند که مصر را نیز به تصرف خود در آورند، ولی (عبیدون فاطمیون) مالک آن گردیده و دولت رفض (تشیع) در سرزمینهای مغرب، مصر و عراق استقرار یافت، و این بدان همت بود که پس از مرگ کافور اخشیدی، حاکم مصر، نظم مصر مختل گردید و سربازان در مضیقه مالی قرار گرفتند. گروهی از آنان نامه‌ای برای المعز لدین الله (فرمانروای مغرب) نوشته از او خواستند تا وارد مصر گردد. وی فرمانده ارتش خود به نام «جوهر» را با هزار سواره عازم مصر نمود، و او وارد مصر گردید.

آغاز قرن هفتم در نظر مسلمانان به ویژه در ممالک اسلامی منزلت والایی یافته بود. تصوف، تمایل به باطن و باطن‌گرایی و آشنایی با اسرار و معارف باطنی از طریق تعالیم ائمه اطهار علیهم‌السلام و اعتقاد به ولایت، همان خصوصیتی است که حکمت شیعی را به تصوف به معنای عام کلمه پیوند می‌دهد. از سوی دیگر، شجره نسب اغلب سلسله‌های صوفیه به یکی از ائمه علیهم‌السلام می‌رسد و فرقه‌های گوناگون آنها تا به امروز در میان شیعیان باقی است. در قرن هفتم هجری، خواجه نصیر طوسی و شاگردان شایسته او مانند کمال‌الدین میثم بحرانی

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی ۵
 (متوفی ۶۷۹ ه. ق) و علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۷۲۷-۶۴۸ ه. ق) کوشش نمودند در میان فلسفه و کلام و عرفان تقریب به وجود آورند. (دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۳: ۲۱۳-۲۱۵)
 به همان میزان که تشیع در قرن نهم رواج می‌گرفت، سلسله‌های صوفیان شیعی مذهب نیز بیشتر می‌شدند و نیروهای آنها افزایش می‌یافت. قدیمی‌ترین سلسله شیعی مذهب این زمان سلسله صفویه پیروان شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی بودند که بتدریج در آذربایجان و بلاد اطراف قدرتی به هم رساندند و در تمام قرن نهم بر اثر پیوند ازدواج با ترکمانان آق قویونلو و عوامل مساعد دیگر در حال توسعه قدرت و فراهم آوردن دستگاهی شبیه سلطنت بودند تا چنان که می‌دانیم در آغاز قرن دهم به سلطنت ایران رسیدند. (صفا، ۱۳۶۳: ۷۷)
 نهضت‌های شیعی ضد خلافت اموی و عباسی بی‌درنگ پس از قیام امام حسین علیه‌السلام پدیدار شد. قیام‌های علویان باعث شد که دولتهای شیعی مستقل و نیمه مستقلی در سرزمینهای خلافت شرقی ظاهر شوند، مانند ادریسیان، حمدانیان، فاطمیان، بریدیان، آل بویه، حسویه، کاکوتیان، علویان طبرستان و یمن، سربداران، مرعشیان مازندران، کیانیان گیلان و مشعشعیان خوزستان. دولت سربداران به عنوان نخستین دولت مستقل شیعه اثناعشری در ایران که در قرن هشتم هجری تاسیس شد، از اهمیت خاصی برخوردار شد. در دوران حکومت آنها، تشیع از مرزهای خراسان گذشت و در سمرقند، کرمان و شهرهای دیگر ایران نفوذ کرد. جنبش شیعی سربداران در نهضت‌های شیعی سادات مرعشی در مازندران و جنبش سادات کیایی در گیلان تأثیری بارز داشت. همچنین، حکومت شیعی سربداران در خراسان زمینه مناسبی ایجاد کرد که سالها بعد با تاسیس حکومت صفویه، مذهب شیعه دوازده امامی در سراسر ایران گسترش یافت. (دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۳: ۳۵۴)

حمدانیان و مذاهب شیعه

در قرن چهارم هجری، حکومت شیعی دیگری نیز در جهان اسلام پدید آمد، و آن حکومت حمدانیان (۳۹۱-۲۹۳) بود. برجسته‌ترین زمامدار آل حمدان، علی بن عبد الله بن حمدان ملقب به سیف‌الدوله (۳۰۳-۳۵۰) بود. وی انسانی خردمند، دانش‌دوست و سلحشور بود و بیشتر ایام عمر خود را در جنگ با تجاوزگران رومی به سر برد. در عصر حمدانیان سرزمین سوریه، مانند حلب و اطراف آن، بعلبک و توابعش، جبل عامل و سواحل آن مملو از شیعیان بود، و به ویژه شهر حلب پایگاه عالمان شیعه و به خصوص بنو زهره به شمار می‌رفت. از کسانی که در تحکیم و نشر مذهب تشیع نقش مهمی ایفا نمود، ابو فراس (متوفای ۳۵۷)، شاعر نامدار آل حمدان بود، چنانکه قصیده میمیه او از شهرت بسزایی برخوردار است و مطلع آن چنین است:

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
الحق مهتضم والدین محترم
و فیی ء آل رسول الله مقتسم (محرمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۴۱)

حمدانین هیچ کس را به پیروی از مذهب شیعه مجبور ننموده، به وسیله مال و مقام هم نفریفتند، بلکه مردم را به اختیار خود واگذار کردند تا هر چه می‌پسندند، برای خود برگزینند. فقط مبلغان با اخلاص حقایق را برای مردم بازگو می‌کردند، برعکس اموی‌ها و عباسی‌ها و صلاح‌الدین ایوبی که مردم را با ارباب و خشونت به مذهب تسنن فرا می‌خواندند. با توجه به اینکه حمدانین مردمی روشنفکر و آزادمنش بودند، به همین جهت، پناهگاه دانشمندان، فلاسفه، ادبا و روشنفکران از همه مذاهب و ادیان شدند؛ تا آنجا که هنرمندان از روم گریخته و به سوی سیف‌الدوله می‌آمدند؛ (حسینی شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۸۸) از این طریق نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفاء کردند.

شیعه در عهد سلجوقیان و ایوبیان

در اواسط قرن پنجم هجری، دولت مهمی با نام دولت سلجوقی پدید آمد و حکومت سنی مذهب بغداد را که رو به زوال و فنا بود، از سقوط نجات داد و از پیشرفت شیعیان در مصر، عراق، شام، فارس و خراسان جلوگیری نمود. حکومت سلجوقیان تا اواخر قرن هفتم هجری استقرار یافت. حکومت مقتدر دیگری که در نیمه دوم قرن ششم (۵۶۵) تاسیس گردید، حکومت ایوبیان به دست سردار نامی، صلاح‌الدین ایوبی بود، که تا سال ۸۴۸ دوام یافت. (زیدان، ۱۳۹۴: ۸۲۵-۸۲۲) فداکاری‌های صلاح‌الدین در جنگ با صلیبیان در خور تقدیر و تحسین است، ولی تعصب شدید او نسبت به مذهب تسنن و خصومت و عداوت او با مذهب تشیع، نقطه ضعفی بس بزرگ و غیرقابل اغماض است. وی پس از استیلای بر مصر، با فاطمیان با خشونت تمام عمل نمود. در کتاب «الازهر فی الف عام» آمده است: «ایوبیها در مطلق آثار شیعه دخالت کرده و آنان را نابود کردند. صلاح‌الدین دولت فاطمی را عزل کرد و اقوام خود را در یک شب به منازل آنان وارد نمود و ناله‌های جگرخراش و گریه‌های جانسوز به قدری بلند بود که مردم فکر خود را از دست داده بودند...» (خفاجی، ۵۸)

وی دستور داد روز عاشورا که بنی‌امیه و حجاج عید می‌گرفتند، مجدداً عید باشد و حی علی خیر العمل را از اذان برداشت و در سخت‌گیری با شیعیان تا آنجا پیش رفت که دستور داد گواهی کسی باید قبول شود که معتقد به یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت باشد، و کسی حق سخنرانی یا تدریس داشت که پیرو آن مذاهب باشد و حتی کتابخانه‌های بزرگی که فاطمین تاسیس کرده بودند و کتابهای نفیسی در فنون مختلف در آنها گردآوری شده بود، به دست وی

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی ^۵
متلاشی گردید و در نتیجه این روش خصمانه، مذهب تشیع در مصر فراموش گردید. (محرمی،
۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۴، زید الزین، ۱۳۴۲: ۱۹۰-۱۹۳)

شیعه در عصر حکومت مغول

دولت مغول در سال ۶۵۰ هجری توسط هولاکوخان در ایران تاسیس و به سال ۷۳۶ با مرگ سلطان ابوسعید پایان یافت. هولاکوخان در دومین حمله خود به عراق، حکومت بنی عباس را برانداخت، و همه مذاهب را در انجام مراسم مذهبی و ترویج تعالیم آنان آزاد ساخت و دانشمندان را تکریم نمود. به عبارت دیگر، قتل و غارت‌هایی که هولاکوخان به آن دست می‌زد، انگیزه دینی نداشت. بدین جهت، در مناطقی که به تصرف او درمی‌آمد، ادیان مختلف از آزادی یکسان برخوردار بودند.

در اینکه آیا هولاکوخان به دین اسلام تشریف یافت یا نه، اختلاف است. هرچند برخی حتی تشیع او را نیز مسلم دانسته‌اند، ولی قدر مسلم این است که چهار تن از سلاطین مغول به نام‌های نکواداربن هولاکو (احمد)، غازان خان (محمود)، نيقولاوس (سلطان محمد خدابنده) و بهادرخان، اسلام آوردند. حکومت احمد چندان بر جای نماند و در مورد «غازان خان» نیز شواهد تاریخی بر تشیع او دلالت دارد. سلطان محمد خدابنده در آغاز پیرو مذهب حنفی بود، ولی چون نظام‌الدین عبدالملک شافعی که اعلم دانشمندان اهل سنت در آن زمان بود، از طرف وی به عنوان قاضی القضاة منصوب گردید و او در مناظره‌ای با علمای حنفی غالب شد، سلطان، مذهب شافعی برگزید.

سرانجام پس از مناظره‌ای که میان علامه حلی (متوفای ۷۲۶) و نظام‌الدین واقع شد، و علامه بر وی غالب گردید، سرانجام سلطان خدابنده آیین شیعه را انتخاب کرد و دستور داد تا سرتاسر قلمرو فرمانروایی او مراسم مذهب امامیه اجرا گردد. به در خواست وی، علامه حلی کتاب معروف خود «نهج الحق و کشف الصدق» را تالیف نمود. پس از وی، فرزندش بهادر خان، آخرین سلطان مغول نیز پیرو آیین شیعه بود. در عصر سلاطین مغول، دانشمندان بزرگی از شیعه ظهور کردند که از آن جمله‌اند: محقق حلی صاحب شرایع (متوفای ۶۷۶)، یحیی بن سعید (متوفای ۶۸۹)، مؤلف کتاب «الجامع الشرایع»، علامه حلی (متوفای ۷۲۶)، پدرش سدید الدین حلی، فرزندش فخر المحققین (متوفای ۷۷۱)، سید رضی الدین بن طاووس (متوفای ۶۶۴)، سید غیاث الدین بن طاووس (م ۶۹۳)، ابن میثم بحرانی (متوفای ۶۷۹ یا ۶۹۹)، خواجه نصیر الدین طوسی (متوفای ۶۷۲)، قطب الدین رازی (متوفای ۷۶۶) و دیگران.

موضوع جالب توجه در این دوره، پیدایی «مدرسه سیار» است که به پیشنهاد علامه حلی و توسط سلطان خدا بنده تاسیس گردید. داستان آن این است که عادت سلاطین مغول بر این بود

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———

که در فصل گرما، در مراغه و سلطانیه، و در فصل سرما در بغداد اقامت می‌گزیدند، و از طرفی، سلطان خدابنده در سفر و حضر، علمای بزرگ را با خود همراه می‌داشت و چون به علامه حلی علاقه فراوان داشت، به وی پیشنهاد کرد که با او همراه باشد. رد این پیشنهاد از طرف علامه مصلحت نبود، زیرا ممکن بود مخالفان و حسدورزان نسبت به علامه این عمل را به گونه‌ای نادرست تفسیر نموده و علیه او استفاده نمایند، و از طرفی، علامه نمی‌خواست به طور دربست در اختیار سلطان قرار گرفته و از فعالیت علمی باز ماند، بدین جهت پیشنهاد تاسیس مدرسه سیار را مطرح کرد که مورد قبول سلطان قرار گرفت و بدین وسیله، علامه حلی توانست به نشر عقاید و معارف امامیه و تربیت شاگردان بسیاری همت گمارد. (محرمی، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۲۱۹)

اندکی پیش از سقوط عباسیان، تشیع پیشرفت خود را در عراق، شام و ایران آغاز کرده بود. افزون بر حرکت شیعی‌ای که در زمان علامه حلی متوفای ۷۲۶ قمری و در زمان سلطان محمد خدا بنده متوفای ۷۱۶ قمری در ایران به وجود آمد، جنبش گسترده‌ای نیز از تشیع غالی یا به اصطلاح، علوی از شمال سوریه تا سرزمین‌های گسترده آناتولی و از آنجا تا شمال عراق و غرب ایران در حال شکل‌گیری بود که بسیاری از وابستگان به این فرقه‌ها پس از قرن هشتم در صف مریدان خاندان شیخ صفی متوفای ۷۳۵ قمری درآمدند. گستردگی این موج تا آن اندازه بود که گفته شده در اوایل قرن دهم، بیش از چهار پنجم مردم آناتولی بر عقاید شیعی از نوع غالی آن بوده‌اند. جنبش مخالف تشیع هم در برخی از بلاد اسلامی به ویژه شامات وجود داشت که از نتایج اقدام‌های ابویان و ممالیک بود و با حرکت فعال ابن تیمیه متوفای ۷۲۸ قمری که همزمان ضد فلسفه، تصوف و تشیع بود، اوج گرفت. با این حال، به دلیل بدعت‌های او و اعتراض‌هایش بر ضد اهل سنت، کار او محدود شد، اما تأثیر خود را در نسل‌های بعدی بر جای گذاشت. (آقانوری و فتاحی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۱۳)

سلسله صفویان و نحوه شکل‌گیری آن

سلسله صفوی در واقع نخستین سلسله مستقل ایرانی است که نه قرن پس از ظهور اسلام و شکست ساسانیان تاسیس گردید و پادشاهان آن از سال ۹۰۵ هـ ق مطابق ۱۵۰۱ میلادی به طور مستمر تا سال ۱۱۳۵ هـ ق بر ایران حکومت کردند. «صفویان نام خود را از شیخ صفی الدین اردبیلی که در میان سال‌های ۶۵۰ تا ۷۳۵ هـ ق می‌زیسته است و از مشایخ صوفیه بوده، گرفته‌اند» (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۳۹). صفویان با سیر در خطی واحد که مایه اعتقادی داشت، دست به اتحادی ایلی زدند که همه این ایلها در ناحیه آناتولی و آسیای صغیر مسکن داشتند و از آنجا در قالب سپاهی که با تمام قدرت و تا پای جان در خدمت مرشد کامل خود (شاه اسماعیل) بودند، به سوی ایران روانه شدند. این بار کشور ایران با گروه جدیدی از ترکها روبرو

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی^۵

گردید که از شرایط مساعد این کشور برای تشکیل حکومت واحد بهره بردند. (هینتس، ۱۳۷۷: ۹۲-۹۷)

همزمان با آغاز قرن دهم هجری وضع سیاسی اجتماعی ایران نابسامان بود و یکپارچگی سیاسی وجود نداشت، به طوری که در نقاط مختلف کشور، دولت‌های کوچک محلی که همواره با هم می‌جنگیدند، فرمان می‌راندند. بر اثر درگیری‌های داخلی، تهاجم عثمانی‌ها، اوضاع نامساعد اجتماعی، کاهش توازن اقتصادی و ناامنی و بیم‌هراسی که بر مردم چیره شده بود، گروه‌هایی که در چهارچوب اندیشه تصوف فعالیت داشتند، رو به افزایش گذاشتند و در چنین شرایطی گروهی از صوفیان وابسته به خانقاه اردبیل و مریدان رهبران آن برای کسب قدرت سیاسی به تکاپو پرداختند.

طریقت صفویه با رهبری شیخ جنید وارد مرحله تازه‌ای شد. «او در سال ۸۵۱ هـ ق / ۱۴۴۷ م به جای پدر خود نشست و درصدد کسب قدرت سیاسی برآمد و این طریقت در زمان او به نهضتی سیاسی-مذهبی تبدیل شد» (خواندمیر، ۱۳۷۰، ۵۸) و «انتقال از طریقت شیوخ صفوی به حکومت دنیوی با به روی کار آمدن شیخ جنید عملی شد و او که پیشوا و مرشد مقتدر جماعتی از درویشان مومن و سرسپرده بود، مدعی حکومت ریاست دنیوی شد» (هینتس، ۱۳۶۲: ۱۵).

پس از جنید «که به سال ۸۶۰ هـ ق در یورش به شروانشاهان^۱ کشته شد، فرزندش شیخ حیدر جانشین او گردید. شیخ حیدر به قصد خونخواهی پدر به جنگ با شروان رفت و به سال ۸۹۲ هـ ق در دامنه کوه‌های البرز به شهادت رسید» (مزاوی، ۱۳۶۸: ۱۵۸). پس از شیخ حیدر، «سران متنفذ ترکمانان چشم به سه پسر حیدر: معین علی، اسماعیل و ابراهیم دوختند که در قلعه‌ای دست‌نیافتنی در استخر فارس تبعید و زندانی بودند» (کزاوی، ۱۳۶۸: ۱۶۳). در این میان، یکی از رهبران آق‌قویونلوها که می‌خواست از نیروی مریدان خاندان صفوی برای رسیدن به اهداف خود سود جوید، آنان را از زندان رها کنید، یعنی «پس از چهار سال و نیم، به سال ۸۹۸ هـ ق به دستور رستم میرزا، امیر آذربایجان، نواده‌ای ازون حسن آق‌قویونلو پسران شیخ حیدر آزاد شدند» (قمی، ۱۳۵۹: ج ۱، ۴۶). پس از آزادی پسران شیخ حیدر در پی توطئه‌هایی که علیه‌شان صورت گرفت، به اردبیل گریختند و از آنجایی که شرایط مساعدی در اردبیل برای اقامت اسماعیل وجود نداشت، او را به لاهیجان انتقال دادند و به سال ۹۰۷ هـ ق، اسماعیل به

^۱ شروانشاهان: ناحیه‌ای که در حوزه علیا رود ارس در جنوب شرقی قفقاز است و شروانشاهیان به آنجا منسوب هستند. شروانشاهیان عنوان سلسله پادشاهانی بود که بر آن منطقه و یا نواحی مجاور آن فرمانروایی می‌کردند. (قزوینی، ۱۳۸۹: ص ۴۹۳)

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
تبریز آمد و بانی سلسله صفویان شد و این سلسله شاهنشاهی با اولین پادشاه خود شاه اسماعیل
آغاز به حکومت کرد.

نقش تشیع در تحولات سیاسی-اجتماعی در دوره خاندان صفوی

خاندان صفوی از زمان شیخ جنید به بعد تشیع خود را علنی کردند و پس از رسیدن به سلطنت،
در ترویج این مذهب از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزیدند. از قرن هفتم هجری به بعد،
تهاجم مغول، فروپاشی خلافت بغداد، احساس خطر از سلطه مغولها بر جهان اسلام، گرایش
عمومی به احیای وحدت اسلامی و بازگشت به اسلام اصیل، زمینه را برای رشد روند
علوی‌گرایی، احترام و علاقه‌مندی مردم به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را فراهم
کرد. پس می‌توان گفت که پس از سلطه مغولها بر ایران، گرایش‌های علوی، طریقت صفویان را
نیز تحت تاثیر خود قرارداد. (رحیم‌لو، ۱۳۷۰: ۲۲۲)

دکتر زرین کوب در رابطه با مذهب شیخ صفی الدین و نوادگان وی می‌گوید که از همان
زمان شیخ صفی، به دلیل افزایش گرایشهای شیعی در آذربایجان و دیگر مناطق، شمار
قابل‌ملاحظه‌ای از عناصر شیعی یا فرقه‌ای با گرایش شیعی در جرگه مریدان طریقت اردبیل
درآمدند و همین سابقه باعث پیدایش عقاید شیعی در میان نوادگان وی، به ویژه در زمان خواجه
علی شد. (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۱۱) پس از شیخ صفی، فرزندش شیخ صدرا لدین موسی رهبری
طریقت صفویه را بر عهده گرفت. در مورد گرایشهای مذهبی وی، جز ادعای سیادت از جانب او
اطلاع دیگری در دست نیست. با این حال، همین امر باعث شده است تا برخی گرایش به تشیع،
آن هم تشیع دوازده امامی در طریقت صفویه را از اقدامات همین شیخ صدرا لدین بدانند.
(پیگولوسگایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۱۱) برخی صاحب‌نظران نیز بر این باورند که تحول عقیدتی در
طریقت صفوی و رویکرد رهبران آن به تشیع، از زمان خواجه علی صورت گرفته است. در کتاب
ایران، عصر صفوی راجر سیوری آمده است: «تحت رهبری خواجه علی، تعالیم نیمه مخفی
طریقت صفویه آشکارا ماهیت شیعی گرفت» (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۲).

ادوارد براون نیز در جلد چهار تاریخ ادبیات ایران می‌نویسد: «خواجه علی نخستین فرد از
مشایخ طریقت صفوی بوده که عقیده خویش را به مذهب شیعه آشکار ساخته و نسبت به این
مذهب از خود تعصب نشان می‌داده است» (ادوارد براون، جلد ۴، ۱۳۱۶: ۵۲). در دوره رهبری
ابراهیم، فرزند خواجه علی، گسترش روزافزون طریقت صفوی در میان ترکمانان شیعه مذهب
آسیای صغیر و شام و همچنین، پیوستن تعداد زیادی از هواداران شیخ بدرالدین سماونه (متوفای
۸۱۹ ه.ق.) به جمع مریدان خاندان صفوی پس از سرکوب قیام وی، ویژگیهای مذهبی طریقت
اردبیل را تحت تاثیر خود قرار داده و گرایش به تشیع را در میان رهبران و هواداران تسریع کرده

با شروع رهبری جنید بر صوفیان و مریدان صفویه، این طریقت وارد مرحله‌ای با تحول اساسی شد و به یک جنبش کامل سیاسی-مذهبی تبدیل شد. در این مرحله، رهبران طریقت صفوی که از یک سو، میراث‌دار برخی عقاید تند جنبش‌های شیعی-صوفی ایران و آناتولی بودند و از سوی دیگر نیز با استقبال روزافزون شیعیان آسیای صغیر روبه‌رو بودند، تلاش کردند تا با ایجاد سلسله تغییراتی در مبانی عقیدتی و تعالیم طریقتی خویش، هواداران بیشتری را گرد خود جمع کرده و جنبش سیاسی-مذهبی را که هدف آن کسب قدرت سیاسی و بر هم زدن وضع موجود بود، پایه‌ریزی کنند.

اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که گرایش آشکار و محسوس طریقت صفوی به تشیع از همین زمان بوده است (رویمر، دوران صفویان، ۱۳۸۰: ۱۴). شیخ حیدر، فرزند شیخ جنید، ده سال نخستین عمرش را در آمد، یعنی دیار بکر و احتمالاً بدون هیچ گونه آموزش مذهبی یا دست‌کم آموزش شیعی، سپری کرد. پس از اقامت در اردبیل، نفوذ پیروان جنید از نظر عقیدتی بر حیدر زمانی که در اردبیل اقامت داشت، چنانکه رویمر خاطر نشان کرده است، دلیل خوبی بر سوق یافتن حیدر به سمت مذهب تشیع می‌باشد. (رویمر، ۱۳۸۰: ۲۶)

روزبهان خنجی در پیروی از اعتقادات مذهبی خویش گزارش داده است که مریدان شیخ جنید پس از مرگ وی، در اطراف حیدر جمع شده و او را «ابن الله» خواندند و در جای دیگر نیز تصریح کرده است که جمعی از مردم روم، طالش و سیاه کوه در رکاب او جمع شده و او را معبود خویش می‌دانستند و از وظایف و عبادات اعراض کرده، جنباش را قبله و مسجود خود می‌شناختند... (خنجی، بی‌تا: ۲۷۲-۲۷۴) دکتر نوایی معتقد است که توجه ویژه شیخ جنید و جانشینان وی به آناتولی و تمرکز تبلیغات آنها در این منطقه در شرایطی که مراکز و شهرهای شیعه‌نشین چون قم، کاشان و سبزوار نیز در ایران وجود داشته است، خود بیانگر نوعی سنخیت مذهبی و عقیدتی در میان ترکمانان آناتولی و رهبران طریقت صفوی است. همچنین، نوایی معتقد است که کلاه سرخ‌رنگ دوازده ترکی که حیدر برای مریدان خود طرح ریخت، قبل از آن توسط بکتاشیه استعمال می‌شده است. (نوایی، ۱۳۵۲: ۴۲۴)

دکتر نوایی اعتقاد دارد که رویکرد تعصب‌آمیز صوفیان به تشیع از زمان حیدر صورت گرفته است. نوایی در این باره می‌نویسد: «در دوران اوست که تغییر عمده دیگری در اندیشه بازماندگان شیخ صفی ظاهر گردیده و آن، تمایل مفرط به طرف شیعه است. تشیعی که بعدها به حق، تشیع صفوی نام گرفت و از تشیع علوی و راستین که نمودار سنت پیامبر اکرم (ص) و علی ابن ابیطالب (ع) است، باید جدا گردد» (نوایی، ۱۳۶۴: ۱۴۴). روند تحول عقیدتی طریقت صفوی و رویکرد آشکار آن به مذهب شیعه با گرایش آشکار و تعصب‌آمیز شاه اسماعیل به تشیع، به اوج

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۳۹۹ ———
خود رسید و طریقت صفویه به صورت کاملاً شیعی و ضد سنی درآمد. اسماعیل یک ساله بود که پدرش حیدر را از دست داد. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۲۸)

آشنایی اسماعیل با اصول تشیع به یقین از جانب پدرش صورت نگرفته است. با توجه به کم‌سن و سالی اسماعیل که هنگام فرارش به گیلان حدود شش سال داشته است، تاثیرپذیری وی از مادر و همچنین از برادرانش که آنها نیز سن و سال زیادی نداشتند، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که: «نخست، صوفیان هفت‌گانه یا همان اهل اختصاص که وظیفه سرپرستی و مراقبت از اسماعیل به آنها واگذار شده بود، در طول سالهای زندگی اسماعیل در لاهیجان همواره از مربیان و مشاوران او بودند و گفته می‌شود که آنها از شیعیان افراطی و معتقد به حلول ذات خداوندی در وجود انسان بودند، و اغلب نیز از ترکمانان آناتولی بوده و در شکل‌گیری شخصیت اسماعیل و پیدایش عقاید افراطی در وجود اسماعیل نقش اساسی ایفا کردند. (پارسادوست، ۱۳۵۷: ۲۴۹)

احتمال دوم، تاثیرپذیری اسماعیل از محیط شیعی لاهیجان و علمای شیعه مذهب آن دیار است. وی بیش از شش سال از دوران نوجوانی خویش را در محیط شیعی لاهیجان و تحت سرپرستی و تعلیم کارکیا میرزا علی و شمس‌الدین لاهیجی، یکی از علمای شیعه سیری کرد (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۵۰: ۲۵-۲۶). این امر علاوه بر آن که موجب رشد و تکوین عقاید شیعی در وجود اسماعیل شد، جنبه صوفیانه، شخصیت او را تحت تاثیر قرار داد. (رویمر، دوران صفویان، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۸)

به هر حال، کارکیا میرزا علی که خود را از اعقاب علی (ع) می‌دانست، با گماردن مولانا شمس‌الدین لاهیجی به امر تعلیم و تربیت اسماعیل، نقش موثری در تکوین و پرورش گرایشهای شیعی در وجود وی ایفا کرد. به یقین، نمی‌توان در مورد میزان تاثیر هر یک از این دو عامل، یعنی مشاوران قزلباش و علمای شیعه مذهب گیلان در شکل‌گیری و رشد احساسات افراطی شیعه در وجود اسماعیل اظهارنظر کرد. اگر اظهارنظرهای صاحب‌نظران در مورد ادعاهای شاه اسماعیل نظیر الوهیت از سوی او را بپذیریم، در آن صورت به ناچار بایستی سهم بیشتری برای تاثیرات و القائات مشاوران قزلباش شاه اسماعیل که گفته می‌شود از افراطیون شیعه بودند، قائل شد. به خصوص که برخی صاحب‌نظران بر این باورند، عقایدی که شاه اسماعیل هنگام رسیدن به قدرت، بر آن پافشاری می‌کرد، با عقاید فقهی شیعی سازگاری چندانی نداشت. (رویمر، ۱۳۸۰: ۴۳۴-۴۳۷)

برخی دیگر بر این نکته اصرار دارند که عقاید اسماعیل متأثر از باورها و تعالیم افراطی شیعه نظیر اهل حق، نصیریان و مشعشعیان بوده است (کامل مصطفی، ۱۳۵۹: ۳۸۸). به هر حال، فقدان آگاهی و اطلاع کافی در این زمینه مانع از اظهارنظر درباره میزان تاثیر و نقش هر یک از

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی

این دو عامل به چنین نتیجه‌ای منجر شده باشد. البته، لازم به ذکر است که اگرچه اندیشه‌های شیعی رهبران طریقت صفویه به ویژه از زمان جنید به بعد، خواه تحت تاثیر جریان تصوف و خواه در نتیجه پیوستن برخی گروه‌های افراطی شیعه به جمع رهبران طریقت صفویه، عناصری از تشیع افراطی را در خود داشت، اما شاه اسماعیل و دیگر پادشاهان صفوی از هیچ کوششی برای پیرایش مذهب شیعه از این عناصر افراطی و صوفیانه و هماهنگ ساختن عقاید خود با تشیع فقهی موردنظر علمای شیعه خودداری نکردند.

نتیجه‌گیری

با بررسی این مقاله می‌توان نتایج زیر را برشمرد: اولاً، تشیع به جنبش سیاسی-مذهبی است که بعد از دوران رحلت پیامبر(ص) شروع شده و آرام آرام بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی تاثیر گذاشته و به نوعی در بر روی کار آمدن و برکناری و یا حتی سقوط سلسله‌ها نقش فعالی داشته است، لذا نمی‌توان تاریخ تشیع را مختص به دوران صفویه دانست. ثانیاً، در خصوص نقش سیاسی و اجتماعی تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی می‌توان بیان داشت که همواره این نقش فعال و زنده بوده و تنها فرق با دوران صفویه در این است که تلاش‌های سیاسی و اجتماعی تشیع در دوران صفویه جنبه رسمیت یافت و بالاخره، منجر به تشکیل حکومت شیعی شد و در نهایت نیز صفویان خاندانی ترک‌نژاد بودند که جد آنان شیخ صفی‌الدین با انتخاب طریقت صوفیگری، زندگی زاهدانه و تساهل و تسامح مذهبی، مریدان قابل توجهی در خانقاه اردبیل گرد آورد و حتی توجه فرمانروایان مغول را به خویش جلب کرد. فرزندان و نوادگان وی با استفاده از شرایط توانستند حکومتی چمشگیر، که در عصر خویش قدرتی مطرح در عرصه جهانی بود، تشکیل دهند؛ چنانکه دربار آنان به ویژه در عهد شاه عباس، محل سفرای اروپایی جهت اتحاد علیه حکومت قدرتمند عثمانی بود.

منابع

الف: منابع فارسی

- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). **صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست**، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ اول، ج ۱.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۴). **تاریخ امامت**، قم، نشر معارف.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۶۱). **تاریخ قم**، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح سید جمال الدین طهرانی، تهران، توس.
- محرمی، غلامحسین (۱۳۸۶). **تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری**، قم، موسسه امام خمینی، چ ششم.
- مسعودی، مروج الذهب (۱۴۰۹ق). **تحقیق اسعد داغر**، قم، دار الهجرة، چ دوم، ج ۳.
- عقوبی. **تاریخ الیعقوبی**، بیروت، دار صادر، بی تا، ج ۲.
- راوندی، محمدبن سلیمان (۱۳۶۴). **راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق**، تهران: اساطیر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۷). **المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم**، تحقیق محمد مصطفی عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خدایار، مرتضوی، خدایار و همکاران (۱۳۹۴). **گفتمان تشیع و برسازی هویت ملی در ایران عصر صفوی**، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۷). **فرهنگ تشیع و نقش آن در تجدد بومی ایران**، فصلنامه معرفت، شماره ۱۲۷.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۰). **دین و سیاست در دوره صفوی قم**، انصاریان.
- السبحانی، جعفر (۱۳۸۷). **تاریخ الشیعۀ**، نشر: تهران: مشعر.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۳۸۰). **الشیعۀ و التشیع**، نشر: دارو صادق.
- طباطبایی، علامه (۱۳۸۸). **شیعۀ در اسلام**، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) جلد اول، چاپ پنجم.
- شیخ. **سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع**، ص ۲۱۳-۲۱۵.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۳). **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد چهارم، تهران.
- دایرة المعارف تشیع، تشیع «سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع»، تهران، ۱۳۷۳.
- زیدان، جرجی (۱۳۹۴). **تاریخ تمدن اسلامی**، مترجم: علی جواهر کلام، انتشارات امیرکبیر.
- خفاجی، محمدعبدالمنعم. **لازهر فی الف عام**، ج ۱.
- آقانوری، علی و فتاحی اردکانی، محسن (۱۳۹۳). **چگونگی و عوامل تغییر رویکرد صفویه از**

بررسی نقش تشیع در تحولات سیاسی و اجتماعی تا دوران صفوی

تصوف به تشیع، فصلنامه شیعه‌پژوهی، دوره ۱، شماره ۱.

- میراحمدی، مریم (۱۳۶۳). **دین و دولت در عصر صفوی**، تهران: امیرکبیر.
- هینتس، والتر (۱۳۷۷). **تشکیل دولت ملی در ایران**، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران.
- هینتس، والتر (۱۳۶۲). **تشکیل دولت ملی در ایران**، کیکاووس جهاننداری، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- مزای، میشل (۱۳۶۸). **پیدایش دولت صفوی**، یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران: دیبا.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹). **خلاصه التواریخ**، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- رحیم‌لو، یوسف (۱۳۷۰ ه.ش). «**مواردی از دستاویزهای معنوی سیاست صفویان**»، یادنامه استاد جعفر سلطان القرایی، تبریز.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۷ ه.ش). **روزگاران دیگر (از صفویه تا عصر حاضر)**، تهران: انتشارات سخن.
- پیگولوسکابا، ن.و. و دیگران (۱۳۵۴ ه.ش). **تاریخ ایران**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، چاپ چهارم.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۵۲ ه.ش). **رازی در دل تاریخ**، گوهر، سال اول، ش ۵، ش ۸.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۴ ه.ش). **ایران و جهان از مغول تا قاجاریه**، تهران: هما، چاپ یکم.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۵۷ ه.ش). **شاه اسماعیل اول**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ یکم.
- ترکمان، اسکندربیک منشی (۱۳۵۰ ه.ش). **عالم آرای عباسی**، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰ ه.ش). **ایران در راه عصر جدید**، ترجمه آذر آهنچی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یکم.
- شیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹ ه.ش). **تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازده هجری**، ترجمه علیرضا ذکوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.

منابع لاتین

- Willis, Stanley, (۲۰۰۶). **n of Republic Islamic the of Culture Strategic The, Comparative o, Curriculum Cultures Strate: No: DTRA۰۱-۰۳.**